

رابطه معماری معاصر ایران با مطالعه، ثبت و انتشار تاریخ معماری معاصر

The relation of contemporary Iranian architecture to the study, recording and publication of the history of contemporary architecture | Shaghayegh Taherkhani

The history of Iranian architecture is actually social and sometimes has physical consequences. Moreover, its physicality is nothing but social. We inevitably say: "The history of Iranian architecture is about dealing with society". Especially in a world where Iranian architecture has become discourse to a considerable extent. However, I believe that a narrative such as social history ends here and architectural history or art history begins there

تاریخ معماری ایران در واقع اجتماعی است و گاهی عواقب جسمانی و فیزیکی دارد. علاوه بر این، فیزیکی بودن آن چیزی جز اجتماعی بودن نیست. ناگزیر می‌گوییم: «تاریخ معماری ایران دربارهٔ برخورد با جامعه است»، به خصوص در دنیایی که معماری ایران تا حد زیادی گفتمانی شده است.

← شقایق طاهرخانی

۱۳۵۸. دانش‌آموخته کارشناسی معماری از دانشگاه سوره و کارشناسی ارشد طراحی شهری از دانشگاه توران.

جستار شایسته تقدیر ویژه فراخوان جستارنویسی

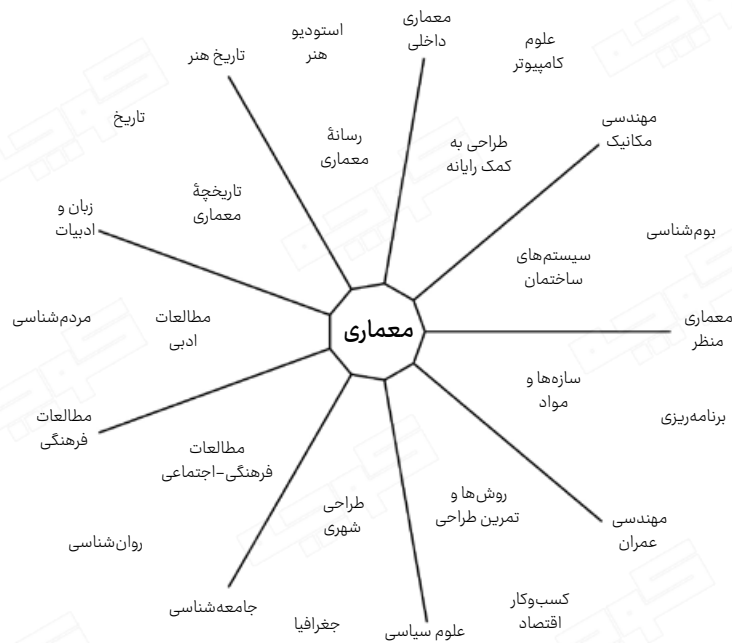
در تاریخ معماری دو رشته مجزای ((معماری)) و ((تاریخ)) در کنار هم قرار می‌گیرند. این بدان معناست که نوشته‌های تاریخ معماری هم باید تعریف یک شیء، یعنی معماری و هم روش رسیدن به آن شیء از طریق زبان، یعنی تاریخ را توضیح دهند.

وقتی صحبت نوشتن از تاریخ معماری ایران می‌شود، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد سبک‌های معماری ایران است. به طور کلی برای من رشته‌ای به نام تاریخ اجتماعی وجود دارد و برخی از ما در درون آن به پدیده‌های معماری علاقه‌مندیم. با این حال، من معتقدم که روایتی مانند تاریخ اجتماعی به اینجا ختم می‌شود و تاریخ معماری یا تاریخ هنر از آنجا شروع می‌شود. تاریخ معماری ایران در واقع اجتماعی است و گاهی عواقب جسمانی و فیزیکی دارد. علاوه بر این، فیزیکی بودن آن چیزی جز اجتماعی بودن نیست. ناگزیر می‌گوییم: «تاریخ معماری ایران دربارهٔ برخورد با جامعه است»، به خصوص در دنیایی که معماری تا حد قابل توجهی گفتمانی شده است. من از ابتدا موضعی دارم که می‌توان آن را به طور خلاصه این‌گونه بیان کرد: «تاریخ معماری، تاریخ اجتماعی است». نمی‌تواند و نباید یک منطقه منحصربه‌فرد و بسته برای خود ایجاد کند.

غیرواقعی است که فکر کنیم یک رویکرد شکل‌دهی خاص در معماری ایران رمزگذاری شده است. من به عنوان یک معمار و طراح شهری سعی می‌کنم با چنین آگاهی‌ای کارم را انجام دهم. به عقیده برخی، معمار بودن برای مورخ معماری الزامی نیست. فکر نمی‌کنم لازم باشد، اما ممکن است فایده‌ای داشته باشد، زیرا حداقل این فرصت را می‌دهد تا

شاهد کثرت میدان باشیم. اگر شما «فقط» تاریخ معماری یا تاریخ هنر را مطالعه کنید، تمایل‌تان به این باور که این رشته در درون خود شروع می‌شود و به پایان می‌رسد قوی‌تر می‌شود. اکثر مردم در درک این دنیای متکثر تنها به دلیل مرزهای رشته حرفه‌ای خود، مشکل دارند، اما معماران حداقل به دلیل آزاد بودن، به اصطلاح مزیتی در تاریخ دارند (نمودار ۱).

آیا فکر می‌کنیم فردی در دنیا وجود دارد که با خواندن متون تاریخ سیاسی و تئوری به سیاست بپردازد؟ یا فکر می‌کنیم که عمل سیاسی تابعی از نظریه و تاریخ سیاسی است؟ اگر طراح و سیاستمدار را باهم مقایسه کنیم، آیا سیاستمدار برای انجام سیاست نیاز به تاریخ سیاسی دارد؟ تاریخ سیاسی چنین ابزاری ندارد. تاریخ معماری نه ما را در طراحی راهنمایی می‌کند، نه به ما در تشخیص درست از نادرست کمک می‌کند. تاریخ بازتاب ما در گذشته است. ما گذشته را بازتولید می‌کنیم؛ بنابراین ما این فرصت را داریم که همواره دربارهٔ گذشته تأمل کنیم. اگر تاریخ را به معنای وسیع آن ایدئولوژیک بدانیم، می‌گوییم که تاریخ معطوف به درک زمان حال است. ما مدام سعی می‌کنیم از گذشته بهره ببریم، به اصطلاح حال را درک کنیم. البته این وضعیت تاریخ معماری را در معماری مشکل‌ساز می‌کند، اما تاریخ معماری را باید به حال خود رها کرد. انتظار اینکه تاریخ معماری مسیر درستی را نشان بدهد به این معنی است که مورخ معماری بیش از حد مهم است؛ همچنین کسانی را که در زمینه‌های دیگری کار می‌کنند، فریب می‌دهد. آنان حق هردو را ندارند، زیرا مردم همیشه مجبور نیستند برای طراحی تاریخ معماری را بدانند، اما اگر هر یک از ما بخواهیم در دنیای امروزی موقعیت فعلی خود را به عنوان معمار درک کنیم، چه طراحی کنیم و چه نه، به تاریخ نیاز داریم.



نمودار ۱: رابطه معماری با سایر رشته‌ها و گستره حوزه دانش معماری که تاریخ معماری را می‌سازد.

امروزه مدام می‌خواهیم در معماری برای خود یک موقعیت تاریخی تعریف کنیم؛ این چیزی است که معماران آوانگارد را می‌سازد. چیزی که آنان را آوانگارد می‌کند این است که دوره‌ای از تاریخ را می‌یابند و خود را جانشین و مسئول تخریب آن می‌دانند. وقتی طراحی می‌کنیم، مجبور نیستیم از تاریخ معماری استفاده کنیم، یعنی تاریخ معماری خارج از حوزه ما نیست. ما در تاریخ معماری جایگاه خود را مشخص کنیم. در گذشته هیچ‌کس مجبور نبود با آگاهی از یک موقعیت تاریخی عمل کند، اما اگر امروز این آگاهی وجود نداشته باشد، به این معناست که ما جایگاهی در آن مکان نداریم. منظور من این است که همه ما در تاریخ معماری هستیم، نه با محصولاتی که می‌سازیم، بلکه با گفت‌وگوی معماری مان هر لحظه به آن کمک می‌کنیم. وقتی از نظریه معماری صحبت می‌کنیم، درباره تاریخ معماری نیز صحبت می‌کنیم. تاریخ مطلق معماری وجود ندارد. رشته تاریخ رشته‌ای است که به سرعت در حال توسعه و رشد است. امروز می‌دانیم که زاغه‌نشینی نیز محصول معماری است و صحبت درباره آن به همان اندازه مهم است که صحبت از مسجد امام اصفهان. تعداد زیادی از مردم ایران می‌خواهند هر کاری را که در تمام اعصار به نام معماری انجام شده است، با معیارهای معماری یکسان بدانند؛ بنابراین مدام ارجاعات بی‌ملاحظه از گذشته انجام می‌شود. اگر فکر کنیم که همه در هر عصری معمار بوده‌اند و همه چیز از قبل محصول معماری بوده است، اشتباه کرده‌ایم.

چیزی که معماران آوانگارد را می‌سازد این است که دوره‌ای از تاریخ را می‌یابند و خود را جانشین و مسئول تخریب آن می‌دانند.

با این حال می‌خواهیم بین امروز و معماران پیشین ایران پیوندی نزدیک برقرار کنیم و به این ترتیب به خود اجداد کم‌وبیش عالی و معصوم اختصاص دهیم. هیچ‌کس چنین اجدادی ندارد، ما هم نداریم. در هر عصری همه اشتباه می‌کردند، اگر چنین چیزی وجود داشت، چرا رشته‌های استاتیک، مهندسی عمران و فناوری‌های ساختمان بی‌شماری ایجاد شد؟ اگر اجدادی داشتیم که اشتباه نمی‌کردند، همان راه را ادامه می‌دادیم. نمونه‌هایی از معماری عامیانه را بررسی می‌کنیم و می‌گوییم که این‌ها مقاوم‌ترین محصولات در برابر زلزله هستند؛ این اشتباه و فراتر از آن یک دروغ است. می‌توان مطمئن بود که محصولات معماری عامیانه راحت‌تر از ساختمان‌های امروزی فرومی‌ریزند. افسانه‌ای وجود دارد که آن‌ها از طریق تجربه آموختند. اگر فقط از طریق تجربه می‌شد آموخت، چرا امروزه رشته‌ای به نام مهندسی زلزله وجود دارد؟ ما همواره در حال تحقیق هستیم، دستاوردهای جدید داریم و دستاوردهای قدیمی را رها می‌کنیم. این‌ها روش‌های رایج تفکر در ایران هستند که تنها به معماران محدود نمی‌شوند.

من فکر می‌کنم که مورخان معماری در ایران باید با این وضعیت به‌طور جدی برخورد کنند. ما در تلاش برای درک دورانی نیستیم که به پایان رسیده است، ما در آن زندگی

می‌کنیم. تاریخ معماری نه تنها باید به مسئله چگونگی تولید آثار تاریخی معماری بپردازد، بلکه باید به مسئله درک جامعه‌ای نیز بپردازد که این چنین مصرانه معتقد است که در تاریخ زندگی می‌کند. معماری در حال تبدیل شدن به حوزه‌ای است که افراد بیشتری می‌توانند در آن صحبت کنند؛ بنابراین به موضوعی تبدیل می‌شود که در خیابان نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. این نشان می‌دهد که معماری فراتر از حرفه گسترش یافته است. «وسایل این گسترش چیست؟» اگر بگوییم به معنای تولید رسانه‌ای است که افراد بیشتری بتوانند آن را بخوانند، مطمئن باشید که بیشتر معماران به نمایشگاه می‌روند، اما هیچ‌کس نمایشگاهی را فقط برای معماران برگزار نمی‌کند. هیچ رسانه‌ای را نمی‌توان از بازتولید معماری دور نگه داشت. رسانه دیجیتال در گذشته این را به سطح غیرقابل تصور پیشرفته‌ای رسانده است. در عصری که کانال‌های دیجیتال و اینترنت ظهور کرده‌اند، حتی سیستم‌های مرجع نیز مانند گذشته ادامه نمی‌یابند. حداقل تا جایی که رسانه دیجیتال بتواند گسترش یابد، پیشرفت در این زمینه خواهیم داشت. محدودیتی برای استخراج دوره‌ای وجود دارد و گسترش آن تا حد رسانه دیجیتال ادامه خواهد یافت. از طرفی، اگر در زمینه برپایی نمایشگاه‌ها سرمایه‌گذاری شود و تعداد نمایشگاه‌ها افزایش یابد وقتی یک بحران اقتصادی به وجود آید (به‌عنوان مثال پاندمی ویروس کرونا)، همه نمایشگاه‌های معماری سقوط می‌کنند. با این حال، کانال‌های دیجیتال به همان سرعت به زمین نمی‌افتند. تا جایی که بتوانند پیش خواهند رفت.

در خاتمه، در پاسخ به این موضوع باید بگوییم که امکانات کم‌وبیش بی‌پایانی در محیط وجود دارد. حداقل فکر نمی‌کنم به حد نهایی رشته‌ای نرسیده باشیم که رسانه دیجیتال تعریف کرده است و برای اینکه صدای محصول معماری که موضوع تاریخ معماری عصر حاضر در ایران است بیشتر شنیده شود، باید از طریق رسانه‌های دیجیتال فعال در این حوزه یا حتی رسانه‌های اجتماعی با کمک خود معماران، تاریخ معماری حال حاضر را ثبت و نشر داده شود که این خود ارتباط مستقیمی با نهادینه شدن و حرفه‌ای شدن معماری ایران دارد. ■